

طرابوزان، پلی میان شرق و غرب همراهی تاجوران با تاجران در اواخر سده‌های میانه

احمد فضلی نژاد*، عبدالرسول خیراندیش**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۲۲ (صفحه: ۷۹-۱۰۲)

چکیده: بندر طرابوزان در شمال منطقه آناتولی و بر ساحل جنوبی دریای سیاه نمونه جالب توجهی از آزادی عمل تاجران در فعالیت‌های اقتصادی و روابط آنها با بازرگانان بین‌المللی در سده‌های میانه به‌شمار می‌رود. در تاریخ این شهر بندری که در اواخر سده‌های میانه به دولت بلند آوازه‌ای تبدیل شد، به سختی بتوان دخالت سیاسی یا دینی را در فعالیت‌های اقتصادی مشاهده کرد. این ویژگی خود باعث شده است که نظام اداری و دولتی طرابوزان در سده‌های میانه در ابهام باقی بماند. با این حال طرابوزان نقش واسطه‌ای را در تجارت میان سرزمین‌های شرقی و غربی (جهان اسلام و مسیحیت) ایفا کرده است. طرابوزان، تا قبل از زوال آن در میانه سده شانزدهم میلادی، یکی از مسیرهای اصلی مبادلات منطقه‌ای

* دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول) (fazlinejad@shirazu.ac.ir).

** استاد گروه تاریخ دانشگاه شیراز (kheirandish.ar@gmail.com).

و فرامنطقه‌ای بود. این مقاله نظری به نقش تاجران و تاجوران در شکوفایی اقتصادی طرابوزان طی سده‌های میانه دارد. یافته‌های این بررسی نشان از آن دارد که در فضای سیاسی و مذهبی حاکم بر جوامع مسلمان و مسیحی، حاکمان طرابوزان نمونه کم‌نظیری از همراهی با تاجران سرزمین‌های گوناگون و مبادلات بازرگانی با دولت‌های گاه متخاصم بوده‌اند.

کلیدواژه‌ها: طرابوزان، بازرگانان، سده‌های میانه، مغولان، ونیز، جنوا.

۱ مقدمه

بندر طرابوزان در ساحل جنوبی دریای سیاه، نمونه جالب توجهی از رونق تجاری در سرزمین‌های مسیحی سده‌های میانه است. برخلاف تمام عالم مسیحیت که نیمه اول سده‌های میانه را به دور از فعالیت‌های تجاری گذراند، بندر طرابوزان دوران پررونقی از تجارت و آمد و شد بازرگانان را شاهد بود. طرابوزان به عنوان بندری مسیحی در حوزه قدرت بیزانس، به رغم شکوفایی تجاری، هیچ‌گاه نماینده حاکمیت مسیحی نبود و نمادی از اقتدار بیزانس تلقی نشده است. این بندر همواره محیطی مناسب و مساعد برای حضور بازرگانانی با ادیان و قومیت‌های گوناگون شناخته می‌شد. ویژگی بارز بندر طرابوزان را می‌توان با مقایسه آن با سه بندر مهم در جهان اسلام که عموماً عنوان «ثغر»^۱ داشته‌اند، بهتر تصور کرد. نخستین مورد ثغر چالوس یا سالوس در شمال ایران بر کرانه دریای مازندران است. چالوس هرچند سرزمینی اسلامی به‌شمار می‌رفت، به دلیل آنکه مبدأ عزیمت تجار به سواحل شمالی دریای مازندران و سرزمین‌های غیرمسلمانان بود، به عنوان ثغر از آن یاد کرده‌اند (حدودالعالم ۱۳۶۲: ۱۴۴). همچنین بندر تیز (تیس) بر ساحل دریای مکران (امروزه نزدیک چابهار) را عنوان ثغر داده‌اند. اصطخری این بندر را در ذیل بلاد سند یاد می‌کند و می‌افزاید بیشتر شهرهای بلاد سند مسکن کافران و

۱. ثغر در لغت به معنای رخنه و منفذ و دهانه در کوه و دیوار، و به تبع آن محل نفوذ و ورود به جایی و سرزمینی است و از این رو در سراسر عصر اسلامی تا روزگار جدید عموماً بر مرزهای دو کشور یا دو قلمرو هم اطلاق شده است (پاکتچی و سجادی ۱۳۹۳: ۱۷/۶۲۹۷).

بت پرستان است (اصطخری ۱۳۴۰: ۱۴۶). این بندر نیز مرز قلمرو اسلام محسوب می‌شد و چون تجار و دریانوردان از آنجا به سوی بنادر هندوستان و چین سفر می‌کردند، به معنای اصطلاحی ثغر دانسته شده است. بندر طرسوس در ساحل شرقی مدیترانه (در شام) نیز تاحدودی چنین ویژگی داشت. طرسوس گرچه بندری در اختیار مسلمانان بود، ابتدای مرز دریایی با بیزانس به‌شمار می‌آمد. گفتنی است مأمون عباسی هنگام جنگ با بیزانس در این بندر درگذشت (طبری ۱۳۷۵: ۱۳ / ۵۷۷۰، ۵۷۷۵). با ذکر این چند نمونه بهتر می‌توان به ویژگی طرابوزان در نیمه اول سده‌های میانه، به عنوان بندری آزاد، نگاه کرد. در واقع طرابوزان نه از جانب مسلمانان ثغر اسلام دانسته شده و نه دولت بیزانس آن را مرز مسیحی بسته‌ای قلمداد کرده است. با آنکه در سمت شرق همواره مرزهای زمینی بیزانس در آناتولی به صورت مداوم و تدریجی در برابر مسلمانان عقب می‌نشست، اما در همه حال مرز دینی محسوب می‌شد، حال آنکه طرابوزان چنین ویژگی از خود نشان نداده است.

در مورد نقش و جایگاه طرابوزان در تجارت شرق و غرب پژوهش‌هایی در خارج از ایران انجام شده است. یکی از تحقیقات عمومی در این زمینه اثر چهار جلدی ویلهلم هاید^۱ درباره تاریخ تجارت شرق در سده‌های میانه است که با عنوان تاریخ تجارة فی الشرق الادنی فی العصور الوسطی (۱۹۹۱م) به عربی ترجمه شده است. وی در این کتاب به مناسبات بازرگانی شرق و غرب در سراسر سده‌های میانه می‌پردازد و در جلد دوم صفحاتی را به طرابوزان و اهمیت آن به ویژه پس از جنگ صلیبی چهارم اختصاص می‌دهد. همچنین جورج فینلی^۲ در جلد چهارم از کتاب تاریخ یونان از فتح آن توسط رومی‌ها تا عصر حاضر^۳ به تفصیل به تاریخ امپراتوری طرابوزان و تحولات آن پرداخته و در مقاله حاضر نیز از اطلاعات مهم آن در زمینه سیاست داخلی و خارجی و اقدامات فرمانروایان این کشور استفاده شده است. از تألیفات خاص درباره امپراتوری طرابوزان

1. Wilhelm Heyd

2. George Finlay

3. *A History of Greece from its Conquest by the Romans to the Present time B.C. 146 to A.D. 1864*

می‌توان به مقاله رستم شوکوروف^۱ به نام «خارجیان در امپراتوری طرابوزان»^۲ اشاره کرد. نکته قابل توجه در این اثر بررسی حضور تاجران خارجی از جمله ایرانیان در امپراتوری طرابوزان است.

۲ از طراز تا طرابوزان

نقشی که طرابوزان در شرق آناتولی برای ایجاد پیوند تجاری میان جهان مسیحی به نمایندگی بیزانس با جهان اسلام داشت، به نحوی با نقشی که شهر طراز در آسیای مرکزی در سده‌های میانه داشته، قابل مقایسه است. شهر طراز که نام آن معرب تلاس است، در جنوب قزاقستان امروزی و در مجاورت مرز قرقیزستان قرار دارد. طراز طی سده‌های میانه یکی از مراکز مهم بازرگانی مسلمانان و غیرمسلمانان بود. اصطخری آنجا را سرحد و مرز میان سرزمین ترکان و مسلمانان می‌داند و می‌افزاید «حد اسلام تا آن جایگاه است» (اصطخری ۱۳۴۰: ۲۶۴). سنایی غزنوی (سنایی ۱۳۹۱: ۱۸۰) نیز در این بیت تقابل کفر و اسلام را در طراز نشان داده است:

همه را رو به سوی کعبه ولیک دل سوی دلبران چین و طراز

طراز در تاریخ اسلامی آسیای مرکزی مرزی واقعی میان مسلمانان و غیرمسلمانان و در همان حال یک مرز تجاری مشخص به‌شمار می‌آمد. تا آغاز دولت سامانیان این نقطه مرزی آوازه‌ای بلند یافته بود؛ چنان‌که فتوحات امیر اسماعیل سامانی در این حدود مشهور است. در سال ۲۸۰ق/ ۸۹۳م امیر اسماعیل به طراز حمله برد و کلیسای مسیحی آنجا را به مسجد تبدیل کرد (Bosworth 2000: X/ 222). پس از آن هرچند مسلمانان از این مرز گذشتند و در نواحی مرکزی آسیا پیش رفتند، اما طراز همچنان به عنوان مرز میان جهان ایرانی و ساکنان آسیای درونی^۳ تلقی می‌شد که با دو ویژگی یکجانشینی و صحرانوردی از هم متمایز و بازشناخته می‌شدند.

1. Rustam Shukurov

2. Foreigners in the Empire of Trebizond (the Case of Orientals and Italians)

3. Inner Asia

طرابوزان که هاید از آن به‌عنوان دالان آسیای مرکزی یاد کرده است (هاید ۱۹۹۱م: ۲/ ۳۲۹)، تا حدودی کارکردی شبیه به طراز داشت. هرچند موقعیت دریایی طرابوزان آن را در قدم اول از طراز که با بیابان و دشت احاطه شده بود، متفاوت نشان می‌دهد. طرابوزان در دوره فتوحات مسلمانان (سده اول هجری) مرزی میان مسلمانان با مسیحیان بیزانس به‌شمار می‌رفت؛ اما خیلی زود مبدل به بازاری مشترک برای مبادلات تجاری شد و بعدها هم که قلمرو مسلمانان در آناتولی گسترش یافت و از طرابوزان نیز گذشت، باز هم این بندر ویژگی مرزی خود را حفظ کرد و به همین عنوان نیز شناخته می‌شد (مشکور ۱۳۵۰: پنجاه و دو). این ویژگی طرابوزان منحصر به نقشی نبود که میان بیزانس و فلات ایران داشت، بلکه دروازه ارتباطی آناتولی با استپ اوراسیا، یعنی دشت‌های سراسری شمال دریای سیاه تا شمال دریای مازندران، نیز بود (Rubruck 1937: 55-57). این نقش حتی زمانی که کافا^۱ در شبه جزیره کریمه به درجه‌ای از رشد و شکوفایی رسید که دروازه ارتباط اروپا با استپ اوراسیا تلقی شود، همچنان برای طرابوزان باقی ماند (هاید ۱۹۹۱م: جلد سوم). در واقع طرابوزان برای مدت طولانی تنها بندر قابل توجه دریای سیاه به‌شمار می‌آمد. از آنجا که این بندر در دوره قبل از سقوط ساسانیان و پیش از کشورگشایی مسلمانان نیز فعال بود و از پایگاه‌های مهم تجاری رومیان (بیزانس) به‌شمار می‌آمد، بنابراین دولت بیزانس از همین‌جا سیاست خود را در پیوند با دولت ترکان غربی علیه دولت ساسانیان پیگیری می‌کرد.

حتی پیش از تأسیس بیزانس، در زمان امپراتوری روم غربی، هادریان (حک: ۱۱۷-۱۳۸م) این بندر را با استحکاماتی برای مقابله با طوفان‌های زمستانی مجهز کرد و از آن زمان به یکی از بازارهای اصلی برای مبادله تولیدات در شرق تبدیل شد؛ به‌طوری‌که سه جاده مهم رومی این شهر را به سایر نقاط آسیا متصل می‌کرد، یکی از سمت غرب در امتداد ساحل دریای سیاه، دیگری به سوی شرق و سومی به سمت جنوب که پس از گذشتن از رشته کوه‌های بلند به سواحل فرات می‌رسید و از آنجا به دو شاخه تقسیم می‌شد و یکی به ایران می‌رفت و دیگری به سوریه می‌رسید (Finlay 1877: IV/ 309).

دولت ساسانی از پادشاهی انوشیروان (حک: ۵۳۱-۵۷۹م) تا خسرو پرویز (حک: ۵۹۰-۶۲۸م) برای خنثی‌سازی همکاری بیزانس با ترکان غربی، متکی به اتحاد با ترکان شرقی بود (رضا ۱۳۷۴: ۱۵۶-۱۶۲). در این دوره ناحیه طراز مرز دولت ترکان شرقی و غربی بود. به نظر می‌رسد همچنان که طرابوزان دروازه‌ای برای آناتولی در دستیابی به منافع اقتصادی و مبادلات تجاری با آسیای مرکزی بود، طراز نیز چنین نقشی را برای ساسانیان داشت. در نیمه دوم سده‌های میانه، هنگامی که کافا در کریمه آبادانی و اعتبار یافت (هابد ۱۹۹۱م: جلد سوم) طرابوزان تحت تأثیر عواملی چند چنین نقشی را فرو گذاشت؛ چنان‌که در همان روزگاران چنین شرایطی برای طراز پیش آمد و بلاساغون و بیش‌بالیغ نقش پیشین طراز را به خود اختصاص دادند. به هر حال در اینجا فصلی از تاریخ شاخه شمالی جاده ابریشم را در حد فاصل طراز به طرابوزان می‌توان بررسی کرد.

۳ طرابوزان در میانه آسیای صغیر و کبیر

اصطلاح آسیای صغیر را یونانی‌ها برای اشاره به نزدیک‌ترین بخش از خاک آسیا به سرزمین خودشان ساختند. یونانی‌ها آسیای صغیر را که در مشرق واقع بود، آناتولی یا محل طلوع خورشید نیز نامیدند (مشکور ۱۳۵۰: صد و سی و یک). با فتوحات مسلمانان در قلمرو آسیایی بیزانس، تنها قسمت کوچکی از قلمرو بیزانس در محدوده آسیای صغیر برای این امپراتوری باقی ماند. در این وضعیت که مرزهای زمینی درگیر منازعات مداوم بود، طرابوزان دروازه ارتباط دریایی میان آسیای صغیر با آسیای کبیر شد. به بیانی دقیق‌تر مبادلات اقتصادی میان فلات ایران و فلات آناتولی تا قسطنطنیه از طریق طرابوزان ممکن می‌شد. صرف‌نظر از نیازهای طرفین به چنین مبادله‌ای، در سمت شرقی و جنوبی بندر طرابوزان که به دست مسلمانان افتاده بود، جمعیت قابل توجهی از گرجیان و ارمنیان ساکن بودند. این اقوام علاوه بر اشتراکات دینی، علائق تجاری نیز با بندر طرابوزان داشتند. تجار مسلمان به‌زودی با جمعیت مسیحی ساکن در پیرامون طرابوزان رابطه تجاری برقرار کردند (مسعودی ۱۳۷۰: ۱/ ۱۷۴). شوکوروف که به بررسی حضور تجار خارجی در طرابوزان سده‌های سیزدهم تا

پانزدهم میلادی پرداخته است، با بررسی نام‌های خانوادگی و القاب تجار ساکن طرابوزان حدود شصت درصد آنها را از سرزمین‌های دیگر مانند ایران می‌داند که با تاجران سایر مناطق به کار مبادله و معامله می‌پرداختند (SHUKUROV 2012: 72-77).

کالاهای تجاری ارمنستان بازار پروونقی در عراق و خراسان داشت و به موازات آن، کالاهای تجاری از سراسر ایران به سوی آذربایجان و از آنجا به طرابوزان ارسال می‌شد و سرانجام سر از بازار قسطنطنیه در می‌آورد (LAIUO 2002: 1/ 725-728). در نیمه دوم سده‌های میانه که جمهوری‌های تجاری ایتالیا، به‌ویژه ونیز و جنوا، فعالیت‌های تجاری خود را از مدیترانه به دریای سیاه توسعه دادند، طرابوزان نقش جدیدی در روابط اقتصادی آسیا با اروپا بر عهده گرفت (HEYD 1868: 75-80). شاید بتوان طرابوزان را الگویی موفق برای دولت‌های تاجرپیشه ایتالیایی در اواسط سده‌های میانه به‌شمار آورد.

۴ تاجوران طرابوزان

همه آنچه درباره نقش مستمر و رو به توسعه طرابوزان در تجارت جهانی سرتاسر سده‌های میانه به صورت اشاره ذکر شد، با مدیریت فرمانروایان آن بندر ممکن گردید که منابع ایرانی و غیرایرانی با عنوان تکفور از آنها یاد می‌کنند (ابن بی‌بی ۱۹۰۲م: ۵۴؛ ابن‌فضل‌الله عمری ۱۹۷۱م: ۳/ ۲۵۸). علامه قزوینی عنوان تکفور را برگرفته از واژه تاجور فارسی می‌داند و یادآور می‌شود که لقب واسطه تکفور و تاجور می‌بایست تاکور باشد (قزوینی ۱۳۹۱: ۹۶۳-۹۶۸). در منابع تاریخی عنوان تکفور برای حاکمان ارمنستان و مناطق دیگری از قفقاز نیز به کار رفته است (HOWORTH 1876: 3/ 460).

تاریخ طرابوزان به دو دوره کلی قبل از تأسیس امپراتوری طرابوزان (۱۲۰۴م) و دوره امپراتوری تا فروپاشی آن (۱۴۶۱م) تقسیم می‌شود. اما آنچه در هر دو دوره قابل تأمل است، نقش حاکمان این منطقه در ایجاد فضای امن برای تجارت و بازرگانی بین‌المللی است. در سراسر دوره کلاسیک یونان^۱، بندر طرابوزان با پرداخت خراج به شهر سینوپ^۲ که در

۱. دوره کلاسیک یونان از پایان عصر حماسی تا ظهور اسکندر مقدونی (سده‌های پنجم و چهارم پیش از میلاد) را در بر می‌گیرد. بسیاری از بنیان‌های فرهنگ و تمدن یونان و حتی اروپا در این دوره شکل گرفت.

2. Sinop

آن زمان به نوعی متروپولیس^۱ به‌شمار می‌آمد، از صلح و آزادی برخوردار بود. در دوره جمهوری روم نیز که رقابت میان این جمهوری و مهرداد (میتریداتس) شدید بود، حاکمان طرابوزان با جانب‌داری از روم امتیاز یک شهر آزاد را نصیب خود کردند (Miller 1968: 5). دوره هادریان در امپراتور روم راه‌های تجاری به سمت طرابوزان گشایش یافت و تا دوره صلح رومی^۲ کالاهای رومی از این مسیر به داخل آسیا منتقل می‌شد. با تهاجم گت‌ها^۳ در زمان فرمانروایی والریانوس (حک: ۲۵۳-۲۶۰م) طرابوزان مورد طمع دیگر بربرها قرار گرفت تا سرانجام با تصرف آن به دست گت‌ها شرایطی از ویرانی را تجربه کرد (ibid: 6). دیگر بار در دوره امپراتوری بیزانس و در رقابت‌های بیزانسی‌ها و ساسانیان بندر طرابوزان اهمیت زیادی یافت.

در اواسط سده‌های میانه استحکامات قوی این شهر موجب شد بتواند در برابر تهاجم سلجوقیان که پس از نبرد ملازگرد (۱۰۷۱م) آسیای صغیر را درنوردیده بودند، مقاومت کند. البته منابع بیزانسی از جمله آنا کومننا، دختر امپراتور بیزانس، از تهاجم سلجوقیان با عنوان لشکرکشی ایرانیان یاد کرده است (COMNENA 2000: Book I/ 6). این مقاومت به فرماندهی حاکم محلی پونتوس^۴ به نام تئودور گابراس^۵ صورت می‌گرفت که در واقع خود را شاهزاده مستقل طرابوزان می‌دانست (Miller 1968: 7). منابع بیزانسی گابراس را مردی پرانرژی و دارای خشونت طبع دانسته‌اند که از طرف امپراتور بیزانس برای دور نگه داشتن او از مرکز حکومت به طرابوزان فرستاده شد (COMNENA 2000: Book VIII/ 149-150). پس از وی نیز تنی چند از حاکمان محلی بر طرابوزان حکومت کردند. حکومت آنها تا اشغال قسطنطنیه توسط صلیبی‌ها (۱۲۰۴م) ادامه داشت.

دوره دوم تاریخ طرابوزان با تصرف قسطنطنیه در جنگ چهارم صلیبی آغاز می‌شود

۱. Metropolis متروپولیس به معنای «مادر شهر» شهری بزرگ بود که مرکز مهم سیاسی، تجاری و فرهنگی در یک کشور یا منطقه به‌شمار می‌آمد.

۲. Pax Romana اصطلاحی لاتینی است که منظور از آن دو سده از اوایل امپراتوری روم (از فرمانروایی آگوستوس در ۲۷ پیش از میلاد تا مرگ امپراتور مارکوس اورلیوس در ۱۸۰ میلادی) است. مشخصه این دوره ثبات نسبی سیاسی و حکمرانی مقتدرانه رومیان در امور داخلی و سرزمین‌های زیرسلطه است که رونق تجارت و افزایش ثروت را برای آنها به ارمغان آورد.

۳. گت‌ها (Goths) از اقوام اولیه ژرمنی به‌شمار می‌آیند که در سقوط امپراتوری روم غربی نقش اساسی داشتند. آنها بعدها به مناطق شمالی حوزه دریای سیاه کشیده شدند و جای سمرتی‌ها را به عنوان نیروی مسلط در این مناطق گرفتند.

4. Pontus

5. Theodore Gabras

که در طی آن سه امپراتوری یونانی نیقیه، طرابوزان و سالونیکا میراث هلنیسم را در آسیای صغیر ادامه دادند. آلکسیوس اول (۱۲۰۴-۱۲۲۲م) با لقب کومننوس^۱ نخستین امپراتور طرابوزان بود. او و برادرش دیوید کومننوس از خاندان امپراتوری بیزانس بودند که پس از سلطه لاتین‌ها بر قسطنطنیه به مناطق شرقی آسیای صغیر آمدند و علاوه بر طرابوزان شهرها و مناطق مهم دیگر نظیر هراکلیا، پافلاگونیا و سینوپ را نیز در قلمرو خود درآوردند (← Choniates 1984: 350-351). در دوره او سلاطین سلجوقی به قصد تصرف این بندر و داشتن بازاری تجاری بر ساحل دریای سیاه به آنجا حمله‌ور شدند. غیاث‌الدین کیخسرو (۵۵۸-۵۹۳ق/۱۱۹۲-۱۲۱۰م) به محاصره طرابوزان برخاست، اما موفق به تصرف آنجا نشد. عزالدین کیکاوس اول (۶۰۸-۶۱۶ق/۱۲۱۱-۱۲۱۹م) نیز با هدف بهره‌مندی از منافع اقتصادی منطقه، سینوپ را تصرف کرد و امپراتور طرابوزان را به اسارت درآورد و پس از اظهار فرمانبرداری وی را آزاد کرد (مشکور ۱۳۵۰: نود و پنج). به‌هر حال از آنجا که دسترسی به دریا یکی از سیاست‌های اصلی سلاطین سلجوقی روم بود، آنها با کمک ارمنیان به تجارت با بنادر مهم آسیای صغیر و بیزانس و دولت‌های ایتالیایی پرداختند (Cowe 2015: 83). با این حال، در دوره آلکسیوس اتفاق مهمی در تاریخ تجارت طرابوزان رخ داد. او با تسلط بر مناطقی از شبه جزیره کریمه در خرسون^۲ و گوتیا^۳ حوزه نفوذ بازرگانی طرابوزان را به سواحل شمالی دریای سیاه گسترش داد و پراتیا^۴ یا «سرزمین فراسوی دریا» را برای این امپراتوری تازه تأسیس ایجاد کرد (Miller 1968: 11).

با یورش مغولان به آسیای غربی و جنگ و گریزهای جلال‌الدین خوارزمشاه و تهاجم وی به گرجستان، امپراتوری طرابوزان در وضعیت خطرناکی قرار گرفت. در این زمان آندرونیکوس اول (۱۲۲۲-۱۲۳۵م) فرمانروای طرابوزان بود. وی در رقابت میان جلال‌الدین خوارزمشاه و علاءالدین کیقباد اول (۱۲۱۹-۱۲۳۶م)، جانب جلال‌الدین را گرفت و به نبرد با

۱. کومننوس (Komnenos) نام خانواده اشرافی بیزانس است که از ۱۰۸۱ تا ۱۱۸۵ میلادی بر بیزانس حکومت کردند و بعد از جنگ چهارم صلیبی و تصرف قسطنطنیه با عنوان کومننوس بزرگ (Grand Komnenoi) امپراتوری طرابوزان را تأسیس و بر آنجا فرمانروایی کردند.

2. Kherson

3. Gothia

4. Perateia

سلجوقیان پرداخت. شکست جلال‌الدین در اخلاط در ۱۲۳۰م سیاست امپراتوری طرابوزان را نیز با ناکامی مواجه ساخت و امتیازاتی را که پیش از این در قراردادهایشان با سلجوقیان به دست آورده بودند، از آنها گرفت. ضمن اینکه بعدها مغولان مناطق زیادی از گرجستان را اشغال کردند و نواحی ایبری^۱ و لازیکا^۲ در قفقاز که تا آن زمان تابع طرابوزان بودند، از حاکمیت طرابوزان خارج شد (ibid: 14). از این زمان بسیاری از لشکریان خوارزمی به طرابوزان پناه بردند و در آنجا اقامت کردند (Howorth 1876: 3/14).

در دوره مانوئل اول (۱۲۳۸-۱۲۶۳م) آسیای صغیر شاهد جابه‌جایی قدرت از سلجوقیان به مغولان بود. در این دوره یورش مغولان به آسیای صغیر به نبرد معروف کوسه‌داغ (۱۲۴۳ق/۶۴۱م) در ارزنجان منتهی شد که با شکست کامل سلجوقیان قلمرو آنها، به علاوه ارمنستان صغیر و طرابوزان، تحت تابعیت مغولان درآمد (ابن بی‌بی ۱۹۰۲م: ۲۳۷-۲۴۰). با این حال طرابوزان همچنان جایگاه تجاری خود را حفظ کرد و در دوره حاکمیت ایلخانان بر ایران به یکی از مراکز بزرگ تجاری در آسیای غربی تبدیل شد. رویداد مهم‌تر در دوره مانوئل اول فتح بغداد در ۱۲۵۸ق/۶۵۶م به دست هلاکوخان مغول و سقوط خلافت پانصدساله عباسیان بود. این رویداد تأثیری عمیق بر ترانزیت کالا و اقلام تجاری از طرابوزان داشت و به رونق بی‌سابقه این بندر انجامید. از آن پس کالاهای شرقی به‌جای مسیر بغداد به شام و مدیترانه، از راه طرابوزان و دریای سیاه حمل می‌شدند. تعداد سکه‌های ضرب شده در دوره حکومت مانوئل اول و نیز رواج سکه‌های طرابوزانی در گرجستان با نام مانوئل^۳ که بر روی آن تصویر امپراتور طرابوزان نقش بسته، نشانه‌ای از این شکوفایی بازرگانی به‌شمار می‌آید؛ ضمن اینکه مانوئل بر روی سکه‌ها به خود لقب «فرمانروای مطلق رومیان» داده بود که بیانی روشن از ادعای جانشینی روم و بیزانس از سوی دولت طرابوزان است (Miller 1968: 15-16).

امپراتوری طرابوزان پس از حکومت مانوئل تا بازیابی امپراتوری بیزانس در قسطنطنیه به دست میخائیل هشتم در ۱۲۶۱م، دوره‌هایی متناوب از ثبات و بی‌ثباتی و درگیری‌های داخلی را پشت‌سر گذاشت. در دوره حکومت جان دوم (۱۲۸۰-۱۲۹۷م) نخستین ارتباط بین

1. Iberia

2. Lazika

3. Kgr. Manuel

طرابوزان و انگلستان ایجاد شد. این ارتباط مدیون مسافرت جنوفری دِ لانگلی^۱، سفیر ادوارد اول (۱۲۷۲-۱۳۰۷م) پادشاه انگلستان، به تبریز بود که در ۱۲۹۲م از طرابوزان گذشت و در آن بندر به خرید اقلام تجاری پرداخت. وی به دعوت ارغون (۶۸۳-۶۹۰م ق / ۱۲۸۴-۱۲۹۱م) از سلسله ایلخانی، برای اتحاد علیه مملوکان به ایران سفر کرده بود (CIOCILIAN 2012: 117).

در زمان آلکسیوس دوم (۱۲۹۷-۱۳۳۰م) نخستین قرارداد میان طرابوزان با ونیزی‌ها بسته شد که براساس آن ونیزی‌ها در سراسر امپراتوری حقوق بازرگانی به دست آوردند. طی این دوره طرابوزان به یکی از شهرهای ثروتمند و شکوفا تبدیل شده بود. نام طرابوزان در ایتالیا چنان مشهور شد که پاپ جان بیست و دوم در ۱۳۲۹م حاکم طرابوزان را با لقب «اعلیحضرت امپراتور طرابوزان» خطاب می‌کرد (Miller 1968: 22). پاپ در نامه‌ای که در همان سال برای امپراتور طرابوزان نوشته بود، از وی تقاضا کرد که برای اتحاد دو کلیسای لاتین و یونانی تلاش کند (Finlay 1877: IV/ 359). آلکسیوس دوم (۱۲۹۷-۱۳۳۰م) در زمان حکومتش هم ثبات قدم و هم توان کافی برای اداره امور داخلی از خود نشان داد. او در ۱۳۰۲م یورش ترکمانان به قلمرو خود را دفع کرد. در این زمان عوامل و رویدادهایی چون ویرانی شهرهای بازرگانی سوریه در اثر تهاجمات خوارزمیان و مغولان، ناامنی راه‌های کاروانی در سراسر قلمرو سلاطین مملوک، فرمان پاپ در منع هرگونه روابط بازرگانی با مسلمانان و عدم امکان عبور تاجران اروپایی از طریق سوریه و مصر برای خرید کالاهای هندی، موجب شد مسیر بازرگانی شرق و غرب از قلمرو خان بزرگ مغول در چین به سمت دریای سیاه کشانده شود. در کنار این عوامل، مدیریت کارآمد خان‌های بزرگ مغول، منگوقاآن و قوبیلای از یک سو و ایلخانان در ایران، ارمنستان و آسیای صغیر از سوی دیگر نقش غیرقابل انکاری در هرچه بیشتر اهمیت یافتن طرابوزان بر ساحل جنوبی دریای سیاه داشت (ibid: 352).

بنابراین در دوره آلکسیوس دوم تاجران جنوایی و ونیزی طرابوزان را مرکز مهم و کانون تجاری شرق و غرب می‌دیدند و در همین زمان سفیر رسمی دولت جنوا وارد طرابوزان شد و

امتیازاتی شبیه آنچه در مناطق دیگر از جمله قسطنطنیه به دست آورده بود، تقاضا کرد. آلکسیوس دوم متوجه خطرات واگذاری امتیازات انحصاری به جنوایی‌ها بود؛ از این رو، با آگاهی از اینکه تهدید جنوایی‌ها به خارج شدن از مدار تجارت با طرابوزان هیچ تأثیری بر روند مبادلات بازرگانی در این سرزمین نخواهد گذاشت و اهالی ونیز، پیزا و کاتلان نیز مشتاق تجارت با طرابوزان خواهند بود، درخواست تهدیدآمیز جنوایی‌ها را رد کرد. جنوایی‌ها به خشونت متوسل شدند و ضمن خروج همه کالاها و اقلام خود از طریق کشتی‌هایشان، تأسیسات و کالاهای مناطق ساحلی را آتش زدند. اما جریان مخالف باد و شرایط جوی آتش را به خود آنها برگرداند و متحمل خسارات سنگینی شدند و ناچار به قرارداد صلح با آلکسیوس دوم گردن نهادند (ibid: 356-357). اتفاق دیگر در این دوره هجوم دزدان دریایی به سواحل طرابوزان و غارت و ویرانگری آنها بود. آلکسیوس پس از پایان مقابله با آنها دستور داد دیوار حفاظی جدیدی برای بندر ایجاد کردند. این دیوار از دیوار قسطنطنیه الگوبرداری شده بود (ibid: 359).

از مرگ آلکسیوس دوم (۱۳۳۰م) تا بیست سال بعد، دوره‌ای از هرج و مرج و جنگ داخلی طرابوزان را در بر گرفت. طی این دوره هفت نفر به قدرت رسیدند که همگی درگیر رقابت‌های خانوادگی و مواجهه با مخالفان بودند. از جمله حوادث این دوره یورش ترکانان به طرابوزان است که طی چند مرحله اتفاق افتاد. هرچند حمله ترکانان در عمل موجب وحدت و مقاومت گروه‌های معارض گردید و به شکست ترکانان انجامید (ibid: 360).

در دوره آلکسیوس سوم (۱۳۴۹-۱۳۹۰م) قدرت سلطنت بازیابی شد. با این حال همچنان تهاجمات ترکانان ادامه داشت و امپراتوری طرابوزان در برابر آنها استحکامات دفاعی خود را تجدید می‌کرد. ضمن اینکه قلعه‌های متعددی که طی دوران جنگ داخلی در دست گروه‌های مختلف قرار گرفته بود، نیز بازپس گرفته شد و اقتدار امپراتور تثبیت شد (ibid: 374). آلکسیوس سوم، طی اقدامات سیاسی و دیپلماتیک خود، توانست با کلنی‌های جنوایی‌ها در دریای سیاه به توافقاتی دست یابد. او در دوران چهل و یک ساله حکومتش توانست طرابوزان را از دل هرج و مرج و جنگ‌های داخلی به سلامت بیرون کشد. نیز با آنکه همواره درگیر

تهاجمات ترکمانان و مخالفان داخلی بود، اما در نهایت کشور را با ثبات‌تر از آنچه تحویل گرفته بود، اداره می‌کرد. وی بخش مهمی از هزینه اقداماتش را از درآمد سرشاری به دست می‌آورد که از ترانزیت کالاهای شرق و غرب و تجارت پرسود نصیب طرابوزان می‌شد؛ به‌ویژه آنکه توانسته بود امنیت را دوباره در این امپراتوری برقرار کند. پس از مرگ آلکسیوس سوم فرزندش، مانوئل سوم (۱۳۹۰-۱۴۱۷م) به قدرت رسید. او به عنوان یک امپراتور محتاط‌تر بود و استعداد دیپلماتیک بیشتری نسبت به پدرش داشت. در دوره او یورش تیمور به آسیای صغیر و غارت و تصرف شهرهای مختلف آن نواحی اتفاق افتاد، اما امپراتوری کوچک طرابوزان از آسیب و ویرانی در امان ماند. مانوئل با پذیرش تابعیت تیمور و قبول پرداخت خراج مانع از غارت و نابودی سرزمینش شد (ibid: 386). روی گونزالس کلاویخو، فرستاده هانری سوم پادشاه اسپانیا، که در همین دوره (۱۴۰۳-۱۴۰۶م) به دربار تیمور سفر کرد، امپراتور مانوئل را خراج‌گزار تیمور می‌خواند. وی توصیف روشنی از شهر طرابوزان و استحکامات آن و حضور تاجران اقوام گوناگون در این شهر بندری مهم ارائه داده است (کلاویخو ۱۳۷۴: ۱۲۴-۱۲۶).

پس از مرگ تیمور و بروز آشفتگی در امپراتوری تیموری، مانوئل سوم توانست خود را از زیر بار پرداخت خراج به تیموریان خارج کند. با این حال، از آن پس امپراتوری طرابوزان با تحركات دو طایفه ترکمانان قراقویونلو و آق‌قویونلو مواجه شد. این روابط با ترکمانان در دوره فرمانروایی آلکسیوس چهارم (۱۴۱۷-۱۴۲۹م) گسترش یافت. آلکسیوس چهارم فرمانروایی ضعیف‌تر از مانوئل سوم بود. حکومتش در تجمل و تنبلی سپری شد و با شورش پسرش، جان (یوهانس) معروف به کالیویوهانس (یوهانس چهارم)، به ناآرامی گذشت. در دوره یوهانس چهارم (۱۴۴۶-۱۴۵۸م) امپراتوری طرابوزان به دولتی کوچک تبدیل شده بود که هر زمان امکان حمله‌ای خارجی برای تصرف قلمرواش وجود داشت. حتی شیخ جنید، رهبر طریقه صفویه، برای تصرف آنجا دست به عملیات نظامی زد که پیامدهای زیان‌باری داشت. تحول جدید برای طرابوزان ترکان عثمانی بودند که از زمان سلطان مراد دوم (۱۴۲۱-۱۴۴۴م) حملات جدی به این امپراتوری را آغاز کردند. به‌ویژه در ۱۴۴۲م مراد دوم تلاش کرد تا از طریق دریا این بندر را تصرف کند.

پس از مرگ یوهانس چهارم در ۱۴۵۸م برادرش دیوید (۱۴۵۸-۱۴۶۱م) به قدرت رسید. دیوید در جلب حمایت قدرت‌های اروپایی برای مقابله با ترکان عثمانی تلاش زیادی انجام داد، اما سلطان محمد دوم پیش از آنکه برنامه‌های امپراتور طرابوزان به نتیجه برسد، در ۱۴۶۱م به مناطقی چون سینوپ حمله‌ور شد و سپس با محاصره طرابوزان و تصرف شهر، آن را جزو قلمرو خود کرد. دیوید به قسطنطنیه تبعید شد، مشروط بر آنکه هیچ ارتباط و مکاتبه‌ای با اوزون حسن که در این زمان بخش‌های وسیعی از ایران را در تصرف خود داشت، نداشته باشد. هراس از بازیابی سلطنت طرابوزان و کشف نامه‌ای از دسپینا خاتون به عمویش دیوید، توسط جاسوسان عثمانی، سلطان محمد دوم را واداشت تا به شکنجه و قتل آخرین امپراتور طرابوزان دست زند (Finlay 1877: IV/424).

۵ تاجران در امپراتوری طرابوزان

در سراسر تاریخ طرابوزان، چه قبل از امپراتوری و چه در دوران امپراتوری (۱۲۰۴-۱۴۶۱م)، همواره تاجران و تاجوران در تعامل و همکاری برای حفظ امنیت این سرزمین و تسهیل در امر بازرگانی بودند. سیاست صلح‌گرایانه تاجوران طرابوزان و جایگاه مهم این بندر، از نظر قرار گرفتن بر سر راه ابریشم و مسیر تجارت بین‌المللی، موجب شده بود که طرابوزان محل اجتماع تاجران کشورهای گوناگون و بازار بزرگ کالاهای شرق و غرب باشد. به عبارت دیگر، شبکه‌های تجارت بین‌المللی پیوند دهنده منافع تاجوران و تاجران در طرابوزان بودند، همان عاملی که به شکوفایی این بندر در سراسر سده‌های میانه منجر شده بود.

طرابوزان از نظر شبکه‌های تجارتهای در سه گونهٔ محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، یکی از مهم‌ترین شهرهای آسیای غربی به‌شمار می‌آمد. تجارت محلی طرابوزان با شهرهای سینوپ، ارزروم، گرجستان و ارمنستان بود. تجارت منطقه‌ای آن از آناتولی تا سواحل مدیترانه شرقی گسترش داشت و از نظر بین‌المللی هم در انتقال کالاهای شرقی از چین و هند به قسطنطنیه از یک‌سو و به شام و مدیترانه از سوی دیگر نقش ایفا می‌کرد و هم با بنادر شمالی دریای سیاه در شبه جزیره کریمه در ارتباط بود.

اهمیت بین‌المللی طرابوزان، در انتقال کالا، موجب شده بود در این بندر مهم دریای سیاه نمایشگاه‌های سالانه کالا برگزار شود. شواهدی از برقراری این نمایشگاه‌ها در دوره حکومت باسیل (۱۳۳۲-۱۳۴۰م) وجود دارد (Laiou 2002: 1/ 730). مسعودی مورخ و جغرافی‌دان مسلمان نیز چند سده قبل از آن به وجود بازارهای سالانه در طرابوزان اشاره کرده است (مسعودی ۱۳۷۰: ۱/ ۱۷۴). چند سده پس از مسعودی، کلاویخو از وجود بازار مشابه سالانه در سلطنت ایران با حضور بازرگانان مسیحی از کافا و طرابوزان و بازرگانان مسلمان از ترکیه و سوریه و بغداد یاد می‌کند (کلاویخو ۱۳۷۴: ۱۶۹-۱۷۰). گزارش کلاویخو تأییدی است که طرابوزان همواره یکی از کانون‌های تجارت منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است.

در سده‌های نخستین اسلامی، به‌ویژه از سده چهارم هجری، که دوره رونق تجارت در جهان اسلام به‌شمار می‌رود، بندر طرابوزان یکی از مراکز غیراسلامی بود که بازرگانان مسلمان را جذب خود می‌کرد. گزارش‌های متعددی از نویسندگان و جغرافی‌دانان مسلمان در این زمینه در دست است. ابن‌حوقل در سفرنامه خود می‌نویسد که در طرابوزان بازرگانان بلاد اسلام گرد هم آمده و از آنجا به کشور روم سفر می‌کنند. او ادامه می‌دهد که بیشتر «نیازمندی‌های بلاد اسلام از دیبا و پارچه گلابتون‌دوزی و پارچه‌های کتان رومی و پارچه‌های پشمی و پوشاک‌های رومی از طرابوزان تأمین می‌شود» (ابن‌حوقل ۱۳۶۶: ۹۱).

اصطخری هم به اجتماع بازرگانان در طرابوزان اشاره دارد و از وفور جامه‌های رومی و پارچه‌های ابریشمین در بازار آنجا خبر می‌دهد (اصطخری ۱۳۴۰: ۱۵۸). همچنین ابن‌اثیر در ذکر حوادث سال ۶۰۲ ق و ذکر لشکرکشی غیاث‌الدین خسروشاه «صاحب شهرهای روم» به طرابوزان می‌نویسد، این لشکرکشی موجب شد راه‌های دریایی و زمینی در آن مناطق مسدود شود و اهالی روم به علت قطع تجارت زیان بسیار دیدند. او در ادامه از حضور بازرگانان مناطق شام، عراق، موصل، جزیره و سایر سرزمین‌ها در آنجا یاد می‌کند (ابن‌اثیر ۱۳۸۵ق: ۱۲/ ۲۴۲).

جایگاه ویژه طرابوزان به عنوان یک مرکز تجارت بین‌المللی و حضور تاجران کشورهای گوناگون در آنجا زمانی تثبیت شد که دو رویداد مهم در تاریخ سده‌های میانه رقم خورد. نخست تصرف قسطنطنیه در جنگ صلیبی چهارم و دیگری یورش مغولان و تشکیل

امپراتوری مغولی. در جنگ چهارم صلیبی (۱۲۰۴م) که طی آن لاتینی‌ها، به‌ویژه ونیزی‌ها، قسطنطنیه را اشغال و غارت کردند و امپراتوری بیزانس با بحران سیاسی و فروپاشی در مرکز حکومت خود مواجه شد، امپراتوری طرابوزان به عنوان شرقی‌ترین بندر بیزانس در جنوب دریای سیاه اهمیتی بیش از گذشته یافت. از آنجا که ونیزی‌ها با بهره‌گیری از فرصت به دست آمده کنترل تجارت بر دریای سیاه را به دست گرفته بودند، تجارت پرسود کالاها و اقلام گوناگون به‌ویژه غلات، از شبه جزیره کریمه نیز در اختیار آنها قرار گرفت (Akışık-Karakullukçu 2013: 324-325). بدین ترتیب ونیزی‌ها علاوه بر دریای مدیترانه قلمرو تجاری خود را در دریای سیاه نیز گسترش دادند و طرابوزان نقشی اساسی در تجارت زمینی و دریایی منطقه و تعامل بازرگانی با ونیزی‌ها ایفا کرد.

رویداد دیگر، یعنی یورش مغولان و تأسیس امپراتوری مغول و شکل‌گیری صلح مغولی^۱، چنان‌که بعضی از پژوهشگران اشاره داشته‌اند، دومین عامل اهمیت یافتن بیش از پیش بندر طرابوزان در تجارت منطقه‌ای و بین‌المللی بود. منابع و پژوهش‌های مربوط به سده هفتم تا نهم هجری (سیزدهم تا پانزدهم میلادی) گویای اهمیت یافتن هرچه بیشتر این بندر در تجارت منطقه‌ای و بین‌المللی است. به قول یکی از پژوهشگران، دولت طرابوزان از چشم دربار مغولان به مثابه یک قرارگاه بازرگانی بود و فرمانروایان مغولی در قراقوروم نیز حاکم آنجا را نه به عنوان یک امپراتور بلکه مدیر یک کارخانه تولید و تجارت تلقی می‌کردند (Finlay 1877: IV/ 339). طرابوزان در همان ابتدای تأسیس دولت ایلخانان در ایران و مرکزیت تبریز، به یکی از تابعان این دولت تبدیل شد و این تابعیت را همانند ارمنستان صغیر (کیلیکیه) برای استمرار روند انتقال کالا از تبریز به آناتولی به نفع خود می‌دید. یکی از شواهد این اتفاق سیاسی برای تسهیل تجارت بین امپراتوری طرابوزان و دولت ایلخانان، یکسان‌سازی اوزان و مقادیر در دو کشور بود (Ciociltan 2012: 134). مورخان همچنین از روابط علمی و فرهنگی میان ایران و طرابوزان در این دوره سخن گفته‌اند. از جمله اینکه تعدادی از کتب علم نجوم برای ترجمه به زبان یونانی و استفاده آنها از ایران به طرابوزان و قسطنطنیه انتقال داده شد (Tihon 2017: 191).

شکوفائی و رونق و ثروت طرابوزان هم به صدور اقلام گوناگون این سرزمین به مناطق دیگر مربوط بود و هم به قرار گرفتن آن در مسیر مهم تجارت شرق و غرب. اقلام بومی طرابوزان که توسط بازرگانان به شرق و غرب صادر می‌شد عمدتاً شامل نقره، آهن، زاج سفید، چوب، شراب، پارچه و فندق بود. بازرگانان اهل طرابوزان و سایر کشورها نیز کالایی نظیر ابریشم و ادویه را از مسیر تبریز به طرابوزان می‌آوردند (BRYER 1980: 3). غلات نیز از شبه‌جزیره کریمه وارد می‌شد. به نظر می‌رسد جمعیت طرابوزان به اندازه‌ای بود که این توان بازرگانی را برای آن سرزمین فراهم آورده باشد، چنان‌که ابن‌فضل‌الله عمری، مورخ و جغرافی‌دان سده هشتم هجری، از قول یک جنوایی این امپراتوری را جلیل‌القدر با جمعیت زیاد یاد می‌کند و آن را در چشم مسیحیان مهم‌تر از گرجستان می‌داند (ابن‌فضل‌الله عمری ۱۹۷۱م: ۳/ ۲۵۷-۲۵۸). دست‌کم تا قبل از شیوع طاعون بزرگ موسوم به مرگ سیاه (۱۳۴۸-۱۳۵۲م) این امپراتوری، به‌ویژه شهر طرابوزان، از جمعیت زیادی برخوردار بوده است. جیووانی ویلانی، بانکدار و رویدادنگار ایتالیایی، در مورد تلفات انسانی مرگ سیاه در طرابوزان می‌نویسد که یک پنجم جمعیت آن از بین رفت (Abertli 2005: Document 3/ 19-20).

علاوه بر تعداد جمعیت طرابوزان، ترکیب قومی و زبانی ساکنان آن نیز قابل توجه بود. ابوالفداء (وفات: ۷۳۲ق) از کوه السن در طرابوزان یاد می‌کند که سبب این نامگذاری را رواج زبان‌های گوناگون در آن می‌داند (ابوالفداء ۱۳۴۹: ۲۵۳). البته انصاری دمشقی (وفات: ۷۲۷ق) در اثر مشهور خود، نخبه‌الدهر فی عجایب البر والبحر، پس از ذکر نام طرابوزان و سوداق می‌نویسد در سوداق مردمانش به پنج زبان عربی، فارسی، ارمنی، ترکی و زبان ویژه خودشان سخن می‌گویند (انصاری دمشقی ۱۲۸۱ق: ۲۲۸). سکونت اقوام گوناگون در این مراکز بازرگانی در سده‌های قبل نیز سابقه داشته است، چنان‌که ناصر خسرو در سفرنامه‌اش از شهر اخلاط نام می‌برد که سرحد مسلمانان و ارمنیان است و در آنجا به سه زبان تازی و پارسی و ارمنی سخن می‌گویند. وی حدس می‌زند که علت نام‌گذاری آن به اخلاط نیز همین اختلاط زبان‌ها و اقوام باشد (ناصر خسرو ۱۳۶۹: ۹-۱۰).

در سال‌های پایانی امپراتوری طرابوزان نیز یکی از روحانیون بلندپایه اهل طرابوزان به نام

بساریون^۱ در ستایش نامه‌ای که برای زادگاهش نوشته بود، از وجود بازار سالانه در این شهر که در جهان بی نظیر است، سخن گفته است. وی به این نکته نیز اشاره دارد که در طرابوزان مردمان زیادی دیده می‌شوند که به زبان‌های گوناگون گفتگو می‌کنند و در آنجا پارچه‌ها و لباس‌های پارسی (بساریون نام مادها را به کار می‌برد) و مصری، الیاف ابریشم چینی و بافته‌های ارمنی (کیلیکیه) خرید و فروش می‌شود (AKIŞIK-KARAKULLUKÇU 2013: 325). همچنین شوکوروف در پژوهشی با عنوان «خارجی‌ها در امپراتوری طرابوزان (مورد شرقی‌ها و لاتین‌ها)» به بررسی حضور غیربومیان در این امپراتوری پرداخته است. وی در مورد آسیایی‌ها بر حضور ترک‌ها، عرب‌ها و ایرانیان تمرکز دارد و آنها را شامل دو گروه مهاجران ساکن و صحراگردان غیرمقیم می‌داند. بررسی وی که از منابع گوناگون یونانی، لاتین، فارسی و عثمانی استخراج شده است، نشان می‌دهد تعداد قابل توجهی از جمعیت طرابوزان را غیربومیان تشکیل می‌دادند. بررسی ریشه نام‌های خانوادگی افرادی که در آنجا مقیم بودند یا صاحب دارایی و املاک بودند، روشن می‌کند که در حدود ۶۰ درصد این نام‌ها غیر یونانی و از ریشه ترکی، مغولی، فارسی و عربی بوده است (SHUKUROV 2012: 72). مهم‌ترین نکته در این پژوهش آن است که ریشه بسیاری از وام‌واژه‌هایی که از اقوام شرقی در طرابوزان جریان یافته بود، مربوط به فعالیت‌های تجاری بود که تاجران به این سرزمین آورده بودند، واژه‌هایی مانند «میدان» و «بازار» از این گونه‌اند (ibid: 17). منابع بیزانسی نیز نشان می‌دهد که هم نام ایران و هم اسامی و اصطلاحات فارسی در منطقه آناتولی و پونتوس رایج بوده چنان‌که نویسنده کتاب آلکسیاد وقتی از حاکم نیقیه ذکر می‌کند می‌نویسد به قول ایرانیان او ساتراپ نیقیه بود و ترک‌ها هم به تقلید از ایرانیان او را امیر می‌خوانند (COMNENA 2000: Book VII/ 129).

موضوع دیگر اینکه تاجران نقشی اساسی در مناسبات و قراردادهای بازرگانی طرابوزان با دولت‌های تاجریبیشه ایتالیایی (ونیز و جنوا) ایفا کردند. نخستین ارتباطات تجاری ونیزی‌ها با طرابوزان به اواخر سده هفتم هجری (سیزدهم میلادی) بازمی‌گردد. ونیزی‌ها پیش از جنوایی‌ها با طرابوزان روابط بازرگانی داشتند، با این حال جنوایی‌ها فعال‌تر و ماجراجوتر از

ونیزی‌ها بودند. این دو دولت‌شهر در دریای سیاه کلنی‌هایی ایجاد کردند و تجارت دریای سیاه با مدیترانه را در اختیار گرفتند. جنوایی‌ها از دهه ۱۲۶۰ تا ۱۲۸۰م در مراکز مهم ساحل شمالی و جنوبی دریای سیاه یعنی در کافا، سوداق (سوداک^۱) و طرابوزان قرارگاه‌هایی تأسیس کردند. تاجران ایتالیایی چنان به امپراتوران طرابوزان نزدیک شدند که در موارد متعددی نه تنها به عنوان سفیران این دولت در اروپا و به ویژه ایتالیا انتخاب می‌شدند، بلکه در رأس بعضی از نهادها و مؤسسات اقتصادی امپراتوری قرار گرفتند (ibid:78).

نقش یکپارچه و همراهی تاجوران با تاجران طرابوزانی وقتی بهتر نمایان می‌شد که امپراتوران طرابوزان با روش‌های دیپلماتیک و حساب شده راه تاجران را به سرزمین‌های گوناگون می‌گشودند؛ و با همین سیاست‌ها بود که تاجران این کشور، علاوه بر ونیز و جنوا با پالمو در سیسیل نیز به مبادله کالا می‌پرداختند. همچنین تاجران طرابوزانی از طریق عقد معاهدات با دولت مغولی اردوی زرین علاقمند به برقراری ارتباط مستقیم با کافا در شبه‌جزیره کریمه بودند و با وجود اینکه دولت - شهرهای ایتالیایی مخالف این اقدام بودند، الکسیوس سوم، امپراتور طرابوزان، بدون توجه به کارشکنی‌های جنوایی‌ها، با مغولان وارد گفتگو و مرآوده شد (Heyd 1868: II/ 73-74). گفتنی است ونیزی‌ها در این دوره تصمیم گرفتند با اعزام نیروی دریایی کنترل طرابوزان را به دست گرفته و به قدرت اول دریای سیاه تبدیل شوند، اما موفق نشدند (ibid: 74). ظاهراً امپراتوری طرابوزان در برابر درخواست‌های تیمور، فاتح آسیای غربی، نیز سیاست مقاومت مسالمت‌جویانه را در پیش گرفته بود. گفته شده تیمور گورکانی از مانوئل سوم، امپراتور طرابوزان، تقاضای فراهم ساختن ۲۰ کشتی برای لشکریانش کرده بود که عملی نشد (BRYER 1980: 5). دوکاس^۲، مورخ بیزانسی، که به ثبت رویدادهای این زمان و به‌ویژه سقوط امپراتوری بیزانس پرداخته است، در کتاب خود همه‌جا از تیمور به عنوان شاه ایران و از لشکریانش با نام ارتش ایرانیان نام می‌برد. او در سخن از سفیران تیمور به دربار بایزید عثمانی نیز آنها را فرستادگان تیمور، خان ایران و بابل، ذکر می‌کند (Doukas 1975: 88). در سده نهم هجری (پانزدهم میلادی) دولت طرابوزان و تاجران این کشور روابط بازرگانی خود را با ایتالیایی‌ها گسترش دادند. از سوی دیگر، این دولت رابط میان تجار آسیای غربی با حوزه

مدیترانه شده بود. کالاهای ایرانی از طریق طرابوزان به دولت‌شهرهای ایتالیایی می‌رسید و در این مورد بازرگانان ارمنی نقشی فعال در انتقال کالاهای ایرانی از طریق ارزروم به طرابوزان ایفا می‌کردند. در میان کالاهای ایرانی مرواریدهای خلیج فارس و فیروزه و لاجورد نیشابور و بدخشان به طرابوزان و از آنجا به مدیترانه می‌رفت. کالاهای چین و هند نیز از طریق خلیج فارس و از آنجا به داخل ایران و سپس به طرابوزان می‌رفت و هم از راه زمینی از کابل و غزنی و نیشابور به نواحی شمال غربی ایران و از آنجا به ارزروم و طرابوزان منتقل می‌شد و به دست دولت‌شهرهای ایتالیایی می‌رسید (Heyd 1868: II/79-81).

در نیمه دوم سده پانزدهم دوران شکوفایی طرابوزان به سرآمد و از حجم انتقال کالاهای شرقی به وسیله تاجران طرابوزان به اروپا کاسته شد. دو عامل خارجی در این موضوع تأثیرگذار بود، نخست تضعیف دولت مغولی اردوی زرین و از دست رفتن اقتدار دولت مرکزی و تجزیه آن؛ و دیگری پیشرفت سریع ترکان عثمانی در آسیای صغیر و بالکان. این دو تحول شرایط جدیدی را برای تمام سواحل شمالی و جنوبی دریای سیاه پدید آورد که به کاهش اهمیت بازرگانی طرابوزان با مدیترانه، دریای سیاه و شرق انجمید (Malowist 1937: 40). دوکاس مورخ بیزانسی که شرح تسلط سلطان محمد عثمانی را بر مناطق و ایالات گوناگون آسیای صغیر نوشته است، چگونگی تسلیم شدن طرابوزان به عثمانی‌ها را توضیح داده است. او امپراتور طرابوزان را در شمار حاکمانی نام می‌برد که با تقدیم هدایایی قدرت خود را واگذار کردند (Doukas 1975: 241). با این حال تحولات مربوط به روابط تجاری امپراتوری طرابوزان با جنوایی‌ها نیز در سده پانزدهم بر ضعف نهایی این دولت تأثیر گذاشت، چنان‌که در دوره الکسیوس چهارم به برخورد نظامی و دریایی با جنوایی‌ها انجامید. این رویارویی تا آنجا بود که جنوایی‌ها مناطقی از طرابوزان را به پایگاه نظامی خود تبدیل کردند (هاید ۱۹۹۱م: ۳/۲۲۷).

۶ نتیجه

طرابوزان، به عنوان یک بندر تجاری مسیحی، در مشرق زمین طی سده‌های میانه، نمونه‌ای منحصر به فرد و جالب به‌شمار می‌آید، زیرا تمامی خصوصیات یک بندر آزاد

تجاری را در آن دوران از خود نشان داده است. این بندر نه تنها فعالیت‌های آزادانه تجاری و گسترده‌ای با شرق و غرب داشت، بلکه همواره خود را از منازعات مذهبی و نژادی دور نگه داشته بود. این موضوع باید با توجه به شرایط عمومی آسیای غربی طی سده‌های میانه در نظر گرفته شود که تعارض دائمی میان مسلمانان و مسیحیان در جریان بود و دامنه و عرصه آن طرابوزان را نیز دربر می‌گرفت. همچنین تحرکات جمعیتی به صورت تهاجمات و مهاجرت‌های ترکان و ترکمانان و سپس مغولان به این سرزمین جریان داشت. ضمن اینکه جمعیت بسیاری از عرب‌ها نیز از عربستان به نواحی مرزی جهان اسلام عزیزت کرده بودند. تأثیر چنین تحولات جمعیتی را که با تغییرات دینی همراه بود، در تاریخ همه شهرهای آسیای غربی و مرکزی در سده‌های میانه می‌توان دید. این اقوام از یک سو به تفاخر بر یکدیگر می‌پرداختند و از سوی دیگر در داخل شاهد تعارضات دینی، فرقه‌ای، محله‌ای و یا گرفتار تهاجمات صحراگردان بودند.

نظام سیاسی طرابوزان طی سال‌های متوالی بی‌ثباتی در مدیترانه شرقی، حتی در سال‌های جنگ‌های صلیبی خود را به برقراری روابط تجاری با دولت‌ها و اقوام گوناگون متعهد نشان می‌داد. در همان حال محدودیت‌هایی که اغلب تحت تأثیر احکام دینی یا رسومات محلی برای تاجران، مخصوصاً تجار آسیایی، در رفت و آمد دیده می‌شد در تاریخ طرابوزان گزارش نشده است. حتی در مسیر دریایی خلیج فارس به چین و یا آنجا که جهان اسلام با هند مجاور می‌شد، محدودیت‌هایی برای تجار وجود داشت، اما همراهی فرمانروایان طرابوزان با تاجران داخلی و خارجی سیمایی از یک دولت تاجرپیشه را از آن بندر به نمایش گذاشت. این شیوه کشورداری هم در دوره پیش از تأسیس امپراتوری و هم در دوران امپراتوری که از جنگ چهارم صلیبی در ۱۲۰۴م تا انضمام آن به امپراتوری عثمانی در ۱۴۶۱م ادامه یافت، ضامن شکوفایی و پویایی طرابوزان در سده‌های میانه بود.

فهرست امپراتوران طرابوزان

آلکسیوس اول مؤسس امپراتوری بود اما تابع
برادر بود، گاهی دیوید اول نامیده شده)

آلکسیوس اول، ۱۲۰۴-۱۲۲۲م
(دیوید ۱۲۰۴-۱۲۱۲م، همراه برادرش)

- آندرونیکوس اول گیدوس، ۱۲۲۲-۱۲۳۵م
 جان اول، ۱۲۳۵-۱۲۳۸م
 مانوئل اول، ۱۲۳۸-۱۲۶۳م
 آندرونیکوس دوم، ۱۲۶۳-۱۲۶۶م
 جورج، ۱۲۶۶-۱۲۸۰م
 جان دوم، ۱۲۸۰-۱۲۹۷م (تئودورا ۱۲۸۴-
 ۱۲۸۵م)
 آلکسیوس دوم، ۱۲۹۷-۱۳۳۰م
 آندرونیکوس سوم، ۱۳۳۰-۱۳۳۲م
 مانوئل دوم، ۱۳۳۲م
 باسیل، ۱۳۳۲-۱۳۴۰م
- ایرنه پالئولوگینا، ۱۳۴۰-۱۳۴۱م
 آنا آنچوتلو، (دوره اول) ۱۳۴۱م
 میخائیل، (دوره اول) ۱۳۴۱م
 آنا آنچوتلو، (دوره دوم) ۱۳۴۱-۱۳۴۲م
 جان سوم، ۱۳۴۲-۱۳۴۴م
 میخائیل، (دوره دوم) ۱۳۴۴-۱۳۴۹م
 آلکسیوس سوم، ۱۳۴۹-۱۳۹۰م
 مانوئل سوم، ۱۳۹۰-۱۴۱۷م
 آلکسیوس چهارم، ۱۴۱۷-۱۴۲۹م
 جان چهارم، ۱۴۲۹-۱۴۵۸م
 دیوید، ۱۴۵۹-۱۴۶۱م

(Shepard 2008: 500-1492)

منابع

- ابن اثیر جزری (۱۳۸۵ق)، الكامل فی التاريخ، بیروت: دارالصادر.
- ابن بی‌بی، یحیی (۱۳۵۰)، مختصر سلجوقنامه، به کوشش م. ه. هوتسما، مندرج در: اخبار سلاجقه روم، به کوشش محمد جواد مشکور، تهران: کتابفروشی تهران.
- ابن حوقل (۱۳۶۶)، سفرنامه ابن حوقل، ایران در صورة الارض، ترجمه و تویق جعفر شعار، تهران: امیرکبیر.
- ابن فضل الله عمری، احمد (۱۹۷۱م)، مسالک الابصار فی ممالک الامصار، به کوشش کامل سلمان الجبوری، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابوالفداء، اسماعیل (۱۳۴۹)، تقویم البلدان، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- اصطخری، ابراهیم (۱۳۴۰)، مسالک و ممالک به کوشش ایرج افشار، تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب.
- انصاری دمشقی، محمد (۱۸۶۵م)، کتاب نخبة الدهر فی عجایب البرّ و البحر، پطربورغ: مطبعه الاکادمیة الامپراطوریة.
- پاکتچی، احمد و صادق سجادی (۱۳۹۳)، «تغور و عواصم»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
- جوینی، عطاملک (۱۳۹۱)، تاریخ جهانگشای جوینی، به کوشش محمد قزوینی، تهران: نگاه.
- حدود العالم من المشرق الی المغرب (۱۳۶۲)، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: طهوری.

رضا، عنایت‌الله (۱۳۷۴)، ایران و ترکان در روزگار ساسانیان، تهران: علمی و فرهنگی.
سنایی غزنوی، محدود (۱۳۹۱)، دیوان سنایی غزنوی، به کوشش بدیع الزمان فروزانفر، تهران: نگاه.
طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۰)، تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.

قزوینی، محمد (۱۳۹۱)، تعلیقات بر جهانگشای جوینی ← جوینی، عطاملک.
کلایوخو، روی گونزالس (۱۳۷۴)، سفرنامه کلایوخو، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: علمی و فرهنگی.
مسعودی، علی بن حسین (۱۳۷۰)، مروج الذهب و معادن الجوهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.

مشکور، محمد جواد (۱۳۵۰)، اخبار سلاجقه روم با متن کامل سلجوقنامه ابن بی بی، تهران: کتابفروشی تهران.

ناصرخسرو (۱۳۶۹)، سفرنامه، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: کتابفروشی زوآر.
هاید، ف (۱۹۹۱م)، تاریخ تجارة فی الشرق الادنی فی العصور الوسطی، ترجمه احمد رضا محمد رضا، الهيئة المصرية العامة للكتاب.

ABERIH, John (2005), *The Black Death, The Great mortality of 1348-1350, A Brief History with Documents*, New York: Palgrave Macmillan.

AKIŞIK-KARAKULLUKÇU, Aslihan (2013), "The Empire of Trebizond in the World-Trade System: Economy and Culture", *Trade in Byzantium: Papers from the Third International Sevgi Gönül Byzantine Studies Symposium*, Edited by Paul Magdalino, Nevra Necipoğlu, Istanbul, 24-27 June.

BOSWORTH, C. E (2000), "Taraz", *The Encyclopaedia of Islam*, Vol X, Edited by P.J. Bearman, TH. Bianquis, Bosworth, E. van Donzel, W.P. Heinrichs. Leiden: Brill.

BRYER, Anthony A. M (1980), *The Empire of Trebizond and the Pontos*, London: Variorum Reprints.

CHONIADES, Niketas (1984), *O city of Byzantium, Annals of Niketas Choniates*, Translated by Harry J. Magoulias, Wayne State University Press, Detroit, Michigan.

CIOCILIAN, Virgil (2012), *The Mongols and the Black Sea Trade in the Thirteenth and Fourteenth Centuries*, Translated by Samuel Willcocks, Leiden, Boston.

COMNENA, Anna (2000), *The Alexiad*, Translated by Elizabeth A.S. Dawes, In parentheses Publications Byzantine Series Cambridge, Ontario.

COWE, S. Peter (2015), *Islam and Christianity in Medieval Anatolia*, Edited by A.C.S. Peacock, Bruno De Nicola and Sara Nur Yildiz, Published by Ashgate publishing Limited, England.

- Doukas (1975), *Decline and Fall of Byzantium to the Ottoman Turks*, Translated by Harry Magoulias, Wayne State University Press, Detroit.
- Finlay, George (1877), *A History of Greece from its Conquest by the Romans to the Present Time B.C. 146 to A.D. 1864*. vol IV: *Medieval Greece and the Empire of Trebizond A.D. 1204-1461*, Oxford.
- Heyd, Guglielmo (1868), *Le colonia commerciali degli Italiani in Oriente nel medio evo*, Giuseppe Muller, vol II, Venezia, Stabilimento Tipografico Antoelli.
- Howorth, Henry H (1876), *History of the Mongols from the 9th to the 19th Century*, vol 3, London: Longmans, Green.
- Laiou, Angeliki E, Editor in Chief (2002), *The Economic History of Byzantium: From the Seventh through the Fifteenth Century*, Vol 1. USA: Dumbarton Oaks Studies.
- Malowist, Marian (1937), "The Baltic and The Black sea in Medieval Trade", in: *Baltic and Scandinavian Counteies*, Vol III, No 1[5], January, pp 36-42.
- Miller, William (1968), *Trebizond the Last Greek Empire*, Amsterdam: Adolf M. Hakkert-Publisher.
- Rubruck, William (1937), "The Journal of friar William of Rubruck 1253-1255", In: *Contemporary of Marco polo*, Edited by Manuel Komroff, Liveirght Publishing Corp, New York, pp. 53-209.
- Shepard, Jonathan (Editor) (2008), *The Cambridge History of the Byzantine Empire c.500-1492*. Cambridge University Press.
- Shukurov, Rostam (2012), "Foreigners in the Empire of Trebizond (the Case of Orientals and Italians)", in: *At the crossroads of empires, 14th - 15th century Eastern Anatolia (Symposium)*, p. 71-86.
- Tihon, Anne (2017), *The Cambridge Intellectual History of Byzantium*, Edited by Anthony Kaldellis and Niketas Siniossoglou, Cambridge University Press.